دو متعلق برای «باء» در «بما ابتدع»

در جمله‌ای که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این خطبه‌ی مبارک و نورانی فرموده بودند، بحث‌مان در «باء» در «بما ابتدع» بود که متعلق به چه چیزی باشد. عبارت این بود: «ومتنع عن الادراك بما ابتدع من تصريف الذوات». باء در موقعیتی بود که از نظر نحوی می‌توانست متعلق به «ادراک» باشد و می‌توانست متعلق به «ممتنع» باشد. در احتمالی که به «ادراک» متعلق باشد، معنای روشنی دارد. «باء» می‌شود بای استعانت. گمان نمی‌کنم جلو افتادنش نیاز باشد. معانی دیگری که ما جلو انداختیم، برای این بود که اگر «باء» متعلق به «ممتنع» باشد، در آخر کار همه‌ی وجوه احتمال دیگر بررسی شده است.

یک وجه هم هست صرفاً برای اینکه اظهریت فی الجمله‌های بیاورد در اینکه باء متعلق به «ممتنع» باشد، نسبت به عبارات قبلی. عبارات قبلی چه بود؟ عبارات قبلی این بود: «مبائن لجمیع ما احدث فی الصفات». در اینجا هم «ممتنع عن الادراک بما ابتدع من تصریف الذوات». «بما ابتدع» روی حساب موازنه به وزان «فی الصفات» در جمله‌ی قبلی باشد و لذا آن وقت دیگر متعلق به ادراک هم نیست.

شاگرد: در عبارات بعدی هم همینطور است.

استاد: بله؛ «وخارج بالكبرياء والعظمة من جميع تصرف الحالات». آن هم همینطور است. شاید هم در مطالعه در ذهنم آمد. علی أیّ حال، درست می‌فرمایید. ولی معانی دیگر را از دست ما نمی‌گیرد. آن معنا همچنان محتمل است. در جای خودش باقی است. این‌ها یک نحو ازدیاد احتمال است. احتمال این معنا بالا می‌آید و از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا، اینکه بعضی از محتملات در فضای اظهر از چیز دیگری باشد، امری بسیار رایجی است. اصلاً هیچ مشکلی ندارد. یک متکلم از کلام چندین معنا را اراده فرموده است و نسبت به شرایطی، یک معنای آن اظهر است. اما قرینه‌ی معینه، به‌معنای تعیین انحصاری، ندارد. قرینه‌ی معینه دو جور است: قرینه‌ی معینه انحصاریه که می‌گوید فقط و فقط من مراد از این کلام هستم. همین قرائنی که می‌گوید این مراد هست؛ یا به نحو احتمال برتر مراد است. این برای کلی عرض من.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 ژوئیه 2024 15:46:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 ژوئیه 2024 16:03:41 توسط ... .